

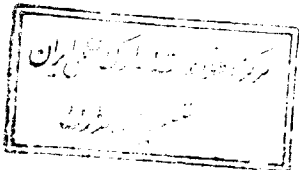
۲
۱

مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۵۷

پیام یکشنبه

۳۴۹۹۷

۱۳۸۰ / ۴ / ۲۰



دانشگاه الزهرا

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: روانشناسی تربیتی

عنوان:

بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصیتی
و سبک‌های یادگیری با پیشرفت و رشته تحصیلی
دانش آموزان دختر دبیرستان‌های شهر تهران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر کیانوش هاشمیان

استاد مشاور:

خانم دکتر سید منوره یزدی

پژوهشگر:

نغمه منصوری

بهمن ماه ۱۳۷۹

012267

۳۴۹۹۷

باتشکر از راهنماییهای اساتید گرامیم
آقای دکتر هاشمیان، خانم دکتر یزدی
و آقای دکتر حمیدی

باتشکر از زحمات پتدریغ
پدر و مادر فداکارم

باتشکر از همراهی و همدلی

همسر عزیزم وحید

تقدیم به دخترم ندا

چکیده پایان نامه :

باتوجه به تفاوت‌های فردی یکی از عوامل موثری که در ارتقاء سطح پیشرفت تحصیلی باید مدنظر قرار داد ایجاد تجارب موفقیت آمیز به منظور افزایش انگیزه درونی برای فراگیران می باشد. تفاوت‌های فردی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد، تأثیر سبک های یادگیری و ویژگی های شخصیتی در پیشرفت تحصیلی می باشد.

در پژوهش حاضر برای ارزیابی ویژگی های شخصیتی از پرسشنامه رجحانهای شخصیتی ادواردز و برای ارزیابی سبک های یادگیری از پرسشنامه کلب که شامل چهار شیوه یادگیری (تجربه عینی، مشاهده تاملی، تفکر انتزاعی، آزمایشگری فعال) که از ترکیب دو به دوی آنها چهار سبک یادگیری (همگرا، واگرا، انطباق یابنده، جذب کننده) بدست می آید، استفاده شد.

روش تحقیق حاضر به دلیل عدم دستکاری متغیرها، از نوع شبه تجربی: پس رویدادی بود. روش نمونه گیری بصورت تصادفی (نوع طبقه ای سهمی مساوی) صورت گرفت. حجم نمونه ۳۶۰ نفر از دانش آموزان مونث دبیرستانهای شهر تهران بود، در این تحقیق دو فرضیه اصلی و شش فرضیه فرعی مورد آزمون قرار گرفت.

آزمون فرضیه اصلی اول (بین سبک های یادگیری و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی داری وجود دارد) با استفاده از مدل آماری تحلیل واریانس یکطرفه صورت گرفت و یافته ها وجود چنین ارتباطی را در سطح اطمینان ۹۹٪ تأیید کردند. بعلاوه سبک یادگیری همگرا از بالاترین سطح پیشرفت تحصیلی برخوردار است.

آزمون فرضیه اصلی دوم (بین ویژگی های شخصیتی و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی داری وجود دارد) با استفاده از مدل آماری همبستگی گشتاوری پیرسون صورت گرفت و از بین چهارده ویژگی شخصیتی، چهار ویژگی سلطه گری، تحمل در سطح اطمینان ۹۵٪ و تمکین، پیشرفت در سطح اطمینان ۹۹٪ ارتباط مثبت معنی داری را با پیشرفت تحصیلی نشان دادند و سه ویژگی خودمختاری، احساس زبونی در سطح ۹۹٪، پیوندجویی در سطح ۹۵٪ ارتباط منفی معنی داری را با پیشرفت تحصیلی نشان دادند. آزمون فرضیه فرعی اول (بین رشته تحصیلی [ریاضی، تجربی، انسانی] و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی داری وجود دارد) با استفاده از مدل آماری تحلیل واریانس یکطرفه صورت گرفت و یافته ها وجود چنین ارتباطی را در سطح ۹۹٪ تأیید کردند.

بعلاوه پیشرفت تحصیلی پایین تر در رشته انسانی را نسبت به دو رشته ریاضی و تجربی نشان داد. آزمون فرضیه دوم (بین شیوه یادگیری [تجربه عینی، مشاهده تأملی، تفکر انتزاعی و آزمایشگری فعال] و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی داری وجود دارد). با استفاده از مدل آماری رگرسیون صورت گرفت و یافته ها وجود چنین ارتباطی را در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید کردند. از میان چهار شیوه یادگیری، شیوه تفکر انتزاعی با پیشرفت تحصیلی از رابطه مثبت معنی داری برخوردار است و شیوه تجربی عینی با پیشرفت تحصیلی رابطه منفی معنی داری را دارا می باشد. آزمون فرضیه سوم (بین ابعاد سبک های یادگیری [تجربه عینی - تفکر انتزاعی] و [مشاهده تأملی - آزمایشگری فعال] و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی داری وجود دارد) با استفاده از مدل آماری همبستگی گشتاوری پیرسون صورت گرفت و یافته ها در سطح اطمینان ۹۹٪ وجود چنین ارتباطی را تأیید کرد.

همچنین از میان ابعاد، بعد تجربه عینی - تفکر انتزاعی رابطه معنی داری را نشان داد. آزمون فرضیه فرعی چهارم (بین ویژگی های شخصیتی و رشته تحصیلی ارتباط معنی داری وجود دارد) با استفاده از مدل آماری تحلیل واریانس یکطرفه صورت گرفت و یافته ها نشان داد که رشته ریاضی به لحاظ برخورداری از ویژگی سلطه گری از دو رشته دیگر به احتمال ۹۵٪ از سطح بالاتری برخوردار است. رشته علوم انسانی به لحاظ برخورداری از ویژگی احساس زبونی به احتمال ۹۵٪ از دو رشته دیگر در سطح بالاتری قرار گرفت. آزمون فرضیه پنجم (بین شیوه های یادگیری و رشته تحصیلی ارتباط معنی داری وجود دارد) با استفاده از روش آماری تحلیل واریانس یکطرفه صورت گرفت و یافته ها نشان دادند که رشته علوم انسانی بیشتر از شیوه یادگیری تجربه عینی، رشته ریاضی بیشتر از شیوه یادگیری تفکر انتزاعی و رشته علوم تجربی بیشتر از شیوه یادگیری مشاهده تأملی بهره می جویند. آزمون فرضیه ششم (بین شیوه های یادگیری و ویژگی شخصیتی با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی داری وجود دارد) با استفاده از مدل آماری رگرسیون صورت گرفت و یافته ها در سطح ۹۹٪ وجود چنین ارتباطی را تأیید کردند. ویژگی های شخصیتی احساس زبونی و خودمختاری رابطه منفی معنی دار و شیوه یادگیری تفکر انتزاعی رابطه مثبت معنی داری را با پیشرفت تحصیلی نشان دادند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: بیان مسأله
۲	۱-۱- مقدمه
۸	۲-۱- مسئله مورد پژوهش
۱۰	۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق
۱۲	۴-۱- اهداف تحقیق
۱۴	۵-۱- سئوالات پژوهشی
۱۵	۶-۱- فرضیه های تحقیق
۱۶	۷-۱- تعاریف اصطلاحات
	فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش
۱۹	۱-۲- مقدمه
	۲-۲-۲- مکاتب روانشناسی شخصیت
۲۱	۱-۲-۲- دیدگاه روان پویایی فروید، یونگ
۲۵	۲-۲-۲- دیدگاه انسان گرایانه راجرز، مازلو

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۸	۳-۲-۲- دیدگاه روابط بین فردی آدلر، سالیوان
۳۰	۴-۲-۲- دیدگاه یادگیری اجتماعی بندورا، راتر
۳۲	۵-۲-۲- دیدگاه شناختی کلی
۳۶	۶-۲-۲- دیدگاه صفت گرایان الپورت، کتل، ایزنگ هالند، موری
	۳-۲- دیدگاه‌های روانشناسی یادگیری
۵۰	۱-۳-۲- ریشه یابی مکاتب یادگیری از دیدگاه فلسفی
۵۱	۲-۳-۲- یادگیری از دیدگاه رفتارگرایی پاولف، واتسون، ثرندایک، اسکینر
۵۲	۳-۳-۲- یادگیری از دیدگاه رفتارگرایی شناختی بندورا، تولمن

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵۴	۴-۳-۲- یادگیری از دیدگاه شناختی گشتالت، پیازه
۵۶	خبرپردازی (فرآیند سه حافظه، فراموشی، شناخت، فراشناخت) ۴-۲- سبک های یادگیری
۶۴	۱-۴-۲- عوامل مؤثر بر یادگیری
۶۵	۲-۴-۲- تعریف سبکهای یادگیری
۶۶	۳-۴-۲- انواع سبکهای یادگیری سبک عاطفی سبک فیزیولوژیکی سبک شناختی
۷۵	۴-۴-۲- ویژگی اساسی سبکهای یادگیری شناختی
۷۷	۵-۴-۲- مقدمه ای بر نظریه کلب
۷۹	۶-۴-۲- ساختار نظریه کلب
۸۷	۵-۲- پیشینه پژوهش
۸۷	۱-۵-۲- مرتبط با ویژگی های شخصیتی و پیشرفت تحصیلی
۹۳	۲-۵-۲- مرتبط با سبک یادگیری و پیشرفت تحصیلی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹۵	۲-۵-۲- مرتبط با ویژگی شخصیتی، سبک یادگیری
۹۹	۲-۵-۴- مرتبط با سبک یادگیری و رشته تحصیلی
۱۰۱	۲-۵-۵- مرتبط با رشته تحصیلی با پیشرفت تحصیلی و ویژگی شخصیتی
۱۰۲	۲-۵-۶- مرتبط با سبک یادگیری با متغیرهای دیگر
فصل سوم: طرح تحقیق	
۱۰۶	۳-۱- روش تحقیق
۱۰۶	۳-۲- جامعه تحقیق
۱۰۶	۳-۳- نمونه تحقیق
۱۰۸	۳-۴- روش نمونه گیری
۱۱۰	۳-۵- ابزار اندازه گیری
۱۱۷	۳-۶- مدل آماری
فصل چهارم: تحلیل داده ها	
۱۲۰	۴-۱- مقدمه
۱۲۲	۴-۲- جداول شاخص های آماری
۱۲۹	۴-۳-۱- فرضیه اصلی اول
۱۳۰	۴-۳-۲- فرضیه اصلی دوم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳۳	۲-۳-۴. فرضیه فرعی اول
۱۳۵	۴-۳-۴. فرضیه فرعی دوم
	۵-۳-۴. فرضیه فرعی سوم
۱۳۹	۶-۳-۴. فرضیه فرعی چهارم
۱۴۵	۷-۳-۴. فرضیه فرعی پنجم
۱۵۴	۸-۳-۴. فرضیه فرعی ششم
	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۱۵۶	۱-۵. بحث و تحلیل یافته ها
۱۷۲	۲-۵. محدودیت ها
۱۷۴	۳-۵. پیشنهادات
۱۷۶	منابع فارسی
۱۸۱	منابع لاتین
۱۹۲	ضمایم

فصل اول

۱-۱- مقدمه

۱-۲- بیان مسئله

۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

۱-۴- اهداف تحقیق

۱-۵- سئوالات پژوهشی

۱-۶- فرضیه های تحقیق

۱-۷- تعریف اصطلاحات

۱-۱- مقدمه:

در دل هر حرکت ارزشمندی مقصد و هدفی نهفته است. آموزش امری پویا و متحول و نیازمند هدف است. برای رسیدن به هدف، اهداف آموزشی، مسیر (اهداف کلی رفتاری) و گامها (اهداف جزئی رفتاری) باید روشن و مشخص باشد و توسط راهنمایی بنام ارزشیابی اصلاح کننده در مسیر صحیح بسوی هدف هدایت شود.

متخصصان تعلیم و تربیت با توجه به نتایج این ارزشیابی ها و با استفاده از یافته های علم روانشناسی سعی بر این دارند تا بازدهی آموزشی را به حداکثر رسانده و کسب اهداف آموزشی را تسهیل بخشند. یکی از یافته های علم روانشناسی که در آموزش و یادگیری از اهمیت ویژه ای برخوردار است بحث انگیزش در یادگیرندگان می باشد (سیف، ۱۳۷۹).

انگیزش یادگیری (علاقه به درس) دقت، کوشش و پشتکار یادگیرنده را افزایش داده و بر یادگیری او تأثیر مثبت می گذارد. بنابراین افزایش سطح علاقه و انگیزش یادگیرنده یکی از تدابیر مهم آموزشی است. آنچه تعیین کننده انگیزش دانش آموز برای یادگیری یک تکلیف می باشد تصورات او از موفقیتها و شکستهای است که در گذشته از تکالیف مشابه با آن کسب کرده است.

اگر در گذشته تکالیف یادگیری را با موفقیت انجام داده باشد احتمالاً با تکلیف بعدی با نوعی عاطفه مثبت برخورد خواهد کرد و برعکس. تکرار این تجارب موفقیت آمیز و شکست آمیز ابتدا تصورات او را در رابطه با تواناییش نسبت به

موضوعهای بخصوص درسی تحت تأثیر قرار می دهد (عاطفه مربوط به موضوع درسی). بعد از کسب تجارب بیشتر از این نوع، این عاطفه گسترش یافته و به تمامی دروس تعمیم می یابد و عاطفه مربوط به مدرسه شکل می گیرد که منعکس کننده نگرش او به کل مدرسه است و سرانجام مفهوم خود تحصیلی (خودپنداره تحصیلی^۱) دانش آموز تشکیل می شود که شامل تصورات کلی نسبت به خودش، در رابطه با یادگیری مدرسه است. بنابراین تجارب مثبت و موفقیت آمیز منجر به افزایش تدریجی علاقه او نسبت به یادگیری کلیه دروس و مدرسه می شود و مفهوم مثبتی از خود در رابطه با یادگیری در او شکل می گیرد و در غیراینصورت کم کم نسبت به یادگیری مدرسه بی علاقه شده و سرانجام مفهوم منفی از خود و توانایی هایش در او شکل می گیرد. بنابراین بهترین راه جلوگیری از بی میلی و بی علاقه در یادگیرنده، افزایش سطح علاقه و نگرش مثبت او نسبت به یادگیری و فراهم کردن امکانات کسب توفیق در یادگیرنده می باشد (همان مرجع).

فعالیت‌های نظریه پردازانی مانند هاپ، سیرز، مک کله لند، اتکینسون، گلاسر، اریکسون و سالیوان همه به اهمیت حیاتی احساس موفقیت تکیه دارند. اگر دانش آموز در همه تجارب اولیه یادگیری احساس شکست بکند یا علاقه خود را از دست خواهد داد یا از یادگیری بیشتر اجتناب خواهد کرد و همین امر منجر به شکستهای بیشتری خواهد

1- Academic Self - Concept.

شد. در نتیجه تنظیم تجارب یادگیری بگونه ای که دانش آموز احساس موفقیت بکند در امر آموزش و یادگیری از اهمیت حیاتی برخوردار است (کدیور، ۱۳۷۱).

توجه به ایجاد شرایطی برای کسب تجارب موفقیت برای هر دانش آموز بحث تفاوت‌های فردی را مطرح می‌سازد.

این مبحث مطلبی است که لااقل از دهه ۱۹۲۰ تاکنون مطرح بوده و در سال‌های اخیر نیز منجر به نارضایتی متخصصان تعلیم و تربیت از کلاس‌های سنتی گشته است. برای مثال: روش سخنرانی، طرح مواد آموزشی یکسان، توضیحات معلم، عناوین درسی و بحث‌های کلاسی که برای گروهی از دانش آموزان مناسب و برای گروهی دیگر نامناسب می‌باشد. باعث دلزدگی و ناامیدی و بی میلی در آنها می‌شود. در عوض توجه به تفاوت‌های فردی آنان و واداشتن هر دانش آموز به کاری متناسب با استعداد و علاقه خاص او، بکارگیری روشها و سبک‌های یادگیری متناسب با خلق و خوی دانش آموز و پیش راندن هر دانش آموز در حد ظرفیت خود از گام‌های موثر در امر آموزش و پرورش می‌باشد (خوی نژاد، طهوریان، لطف آبادی، طوسی و نظری نژاد، ۱۳۷۴).

دان^۱ بیوردی^۲ و کلاوس^۳ ۱۹۸۹، دان و دان^۴ ۱۹۸۷ معتقدند که دانش آموزانی که خوب درک نمی‌کنند و پیشرفتی مطلوب و متناسب با توانایی‌هایشان ندارند بتدریج

1- Dunn.

2- Beavadry.

3- Klavas.

4- Dunn & Dunn.